

## شرایط منحصر به فرد کلاس های چندپایه با توجه به دیدگاه معلمان

محمد فیض اللهی<sup>a</sup>

<sup>a</sup> دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر اصفهان

نویسنده مسئول: محمد فیض اللهی (تلفن: ۰۹۱۳۸۳۳۵۳۹۹ و آدرس الکترونیک: mohammadfeizollahi79@gmail.com)

**چکیده:** این پژوهش در جهت شناسایی شرایط خاص کلاس های چندپایه است که معلمان کلاس های چندپایه با علم و تجربه خود این ها را درک کرده و بیان کرده اند و قصد پژوهشگر استفاده از این شرایط در جهت ارائه راهکارهایی برای تعالی مسیر یاددهی-یادگیری می باشد. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه معلمان کلاس های چندپایه شهرستان چادگان در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود که از بین آنها معلمان با سابقه و با تجربه تدریس در کلاس های چندپایه، ۱۰ نفر به روش هدفمند انتخاب شدند و از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته، داده های مورد نیاز جمع آوری شد. داده ها پس از مقوله بندی و تجزیه و تحلیل مجدداً با ارائه به مصاحبه شوندهان مورد استنتاج قرار گرفت. نتایج بیانگر شرایط عام این کلاس ها مثل زمان تدریس، کمبود تجهیزات و ... ارزیابی شد.

**کلمات کلیدی:** کلاس های چندپایه، راهبردهای تدریس، تکنولوژی آموزشی.

### ۱. مقدمه

نظام تربیتی و آموزشی بسته به عوامل مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تحت شرایطی قرار می گیرد که با توجه به اهداف عالی این نظام محدودیت هایی پیدا می کند. حال این که مینا و علت پیدایش کلاس های چند پایه در چیست، بسیار حائز اهمیت است و جواب این سوال ما را در جهت شناخت محدودیت های این کلاس ها یاری می رساند. از مهم ترین اهداف تشکیل کلاس های چند پایه می توان به فراهم کردن دوره کامل آموزش با افزایش میزان دست یابی به آن در مناطق روستایی و کم جمعیت، تداوم خدمات آموزشی در شهرهای کوچک که با کاهش شمار دانش آموزان روبرو هستند، استفاده بهینه از منابع محدود و بهبود کیفیت و سودمندی آموزش اشاره کرد. حال با این که آموزش و پرورش یکی از مهم ترین نیازها و حق طبیعی هر فردی محسوب می شود. انسان بدون آموزش و پرورش قادر به حیات اجتماعی نخواهد بود. آموزش و پرورش، نه تنها یک ضرورت برای کمک به استقلال فرد و زندگی اجتماعی او است بلکه وسیله ای برای توسعه عدالت در جامعه محسوب می شود، در همین راستا کارنیرو (۱۹۹۸) اذعان می دارند که هیچ جامعه ای بدون آموزش و پرورش استوار نمی تواند سودای برابری و عدالت را در سر بپروراند (به نقل از آقازاده و فضلی، ۱۳۸۹) عملیات مربوط به حوزه آموزش و پرورش در زمره مسئولیت های جامعه در کلیت آن و در قلمرو سیاستهای عمومی و دولتی به طور خاص قرار می گیرد که می تواند به عنوان عاملی برای عدالت، مورد توجه قرار گیرد (بشیری حدادان، محمودی، رضایور و ادیب، ۱۳۹۲). اما از طرف دیگر، محدودیت هایی از قبیل شرایط اقلیمی، مشکلات مالی، تأمین معلم و غیره، تشکیل کلاس برای تمام افراد واجب التعلیم را با مشکلاتی مواجه ساخته است؛ از این رو در بسیاری از نقاط کشور ما، مانند سایر نقاط دنیا، امکان جذب تمام کودکان واجب التعلیم وجود ندارد. یکی از دلایل این عدم جذب تعداد اندک کودکان هم سن در یک منطقه جغرافیایی است که امکان تشکیل کلاس مستقل را برای هر گروه سنی در یک پایه تحصیلی، به آموزش و پرورش نمی دهد. یکی از رایج ترین شیوه های عمل در چنین شرایطی، ادغام کودکان در سنین و پایه های مختلف در یک گروه و آموزش به آنها توسط یک معلم است

از نظر لیتل (۲۰۰۱) امروزه سیستم های آموزشی به وسیله سن، درجه و سطح دانش آموزان سازماندهی می شوند. این سازماندهی به دو صورت کلاس های تک پایه و کلاس های چندپایه انجام می پذیرد، مکوسانا و کاپیسا، ترجمه آقازاده (۱۳۸۶) معتقدند که شرایط متنوع در حوزه آموزش و پرورش، ایجاد کلاس های چندپایه را که در آن، یک معلم مجبور است چند پایه را به طور همزمان و در یک کلاس تدریس کند، ضروری می سازد. این موقعیت ها معمولاً در مدارس روستایی و خاص، بیشتر رایج است. حتی تحقیقات پروهل، داگلاس، جانسون و وست اسمیت (۲۰۱۳) نیز نشان می دهد که مدارس کاتولیک در آمریکا نیز با کاهش ثبت نام، مواجه و ناچار به تشکیل کلاس های چندپایه شده اند. رحمانی (۱۳۹۶) نیز معتقد است که در نظام آموزشی کشور ما وجود کلاس های چندپایه واقعیتی اجتناب ناپذیر است. صمدیان (۱۳۹۱) دلایل اصلی تشکیل کلاس های چند پایه را پایین بودن تعداد دانش آموزان در مناطق روستایی و کمبود معلم میدانند که شیوه ای برای ایجاد دسترسی بیشتر به کودکان روستایی به آموزش و پرورش است. (به نقل از عباس پور، جهانی و مناجاتی پور، ۱۳۹۵) حال با توجه به شرایطی که این کلاس ها دارند می توان گفت مشکلاتی مثل کمبود وقت، مسئولیت های زیاد معلم چندپایه و عدم همکاری والدین، کمبود تجارب و اطلاعات معلمان چندپایه، بومی نبودن معلمان چندپایه و سنگینی حجم کار معلمان، سازماندهی کلاس های چندپایه و کمبود تعداد فراگیران، نامناسب بودن ترکیب سنی و جنسی دانش آموزان، کمبود امکانات، تجهیزات و وسایل آموزشی، کمبود فضای آموزشی و همچنین نبود امکانات بهداشتی مناسب، کمبود نیروی انسانی خدماتی و وجود مشکلات نظافت، حواس پرتی فراگیران، کم توجهی به برخی دروس مانند هنر و ورزش، غیبت و تاخیر مکرر معلم و دانش آموز، وجود اختلالات یادگیری در برخی از دانش آموزان، دوزبانه بودن دانش آموزان و عدم استفاده از طرح درس در کلاس های چند پایه اشاره کرد.

البته لازم است بدانیم اغلب این مشکلات را معلمان با مدیریت مناسب، مشورت، اشاعه فضای مناسب، استفاده از روش های مناسب تدریس، نظارت و ارزشیابی، ارائه برنامه مناسب و منسجم، پژوهش محور بودن، سازماندهی مناسب و داشتن طرح درس های روزانه به مزیت تبدیل کنند.

در قرن حاضر با توجه به استانداردهای آموزشی و تربیتی، کلاس های چندپایه محاسنی بسیار شگفت را هم از خود نشان داده اند که به طور قطع میتوان گفت که کلاس های تک پایه به سختی می توانند به آن ها برسند. به عنوان مثال در زمینه های ریاضیات و علوم آموزش چندپایه سبب پیشرفت دانش آموزان می شود. دانش آموزان می آموزند که ((چگونه یاد بگیرند)) و ((چگونه یاد بدهند)). ایجاد فرصت برای همکاری بر اساس علایق و استعداد و نوع شخصیت، ایفای

نقش معلمی برای برخی دانش آموزان، عمیق تر شدن پیوند بین معلم و دانش آموزان، ثبات بیشتر عاطفی کودکان، شناخت بیشتر دانش آموزان و روابط حمایتی بین فردی از این قبیل اند.

## ۲. روش تحقیق

این پژوهش از نوع مطالعات کیفی به شیوه پدیدارشناسی است که برای جمع آوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده کرده است. «پدیدارشناسی در پارادایم ساختارگرایی با توجه به درک یا معنای پدیده توسط مشارکت کنندگان و نگاه ذهنی آنها شکل می گیرد. هنگامی که مشارکت کنندگان، درک خود را از یک موضوع بیان می کنند، در واقع از معنای شکل گرفته از طریق تعامل اجتماعی با دیگران و تجارب شخصی خود صحبت می کنند. در این شکل از مطالعه، پژوهش از بالا به پایین شکل می گیرد، از دیدگاه های افراد به الگوهای گسترده تر و در نهایت به یک نظریه ختم می شود.» (کرسول و پلانوکلاک، ۲۰۰۷؛ ترجمه کیامنش و جاوید سرایی، ۱۳۹۴).

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه آموزگاران کلاس های چند پایه در سطح شهرستان چادگان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰، با حجم ۵۷ نفر بوده است. از این جامعه، ابتدا افرادی به صورت هدفمند، به گونه ای انتخاب شدند که حتی المقدور بیشترین سنوات تدریس را در مناطق مختلفی تجربه کرده بودند؛ اما با توجه به اشباع نظری دادهها تنها ۱۰ نفر مصاحبه به عمل آمد. اظهارات نمونه ها در جریان مصاحبه، ثبت و در پایان از طریق تحلیل محتوا، مقوله بندی گردید که مهم ترین ویژگی های مثبت و همین طور محدودیت های کلاس های چندپایه، استنتاج و طبقه بندی گردید.

## ۳. یافته ها

جهت سهولت در بررسی محدودیت ها و شرایط خاص کلاس های چندپایه سوال های زیر مورد بحث قرار گرفته است.

پرسش اول: فرهنگ مشارکت و ارتباط والدین با معلمان چگونه است؟

ارتباط والدین معمولاً به دو دسته نگاه مثبت به فرهنگ مشارکت و نگاه منتقدانه به فرهنگ مشارکت تقسیم بندی می شود. در نگاه اول ارتباط مستمر والدین با معلمان، ارتباط همراه با ادب و احترام، اجرای جلسه های توجیهی، همکاری برای پیشبرد اهداف آموزشی و رفاهی، کمک از والدین در امر آموزش، وظایف والدین با توجه به تکالیف دانش آموزان در منزل، برگزاری جلسات گروهی در مباحث عمومی، ارتباط از طریق فضای مجازی و تاثیر تحصیلات و دانش زیاد بعضی والدین در ارتباط بهتر وجود دارد. در نگاه منتقدانه گله مندی بی مورد از روش تدریس، محل نشستن دانش آموز و نوع نمره گذاری، انتظارات بیش از حد از یکدیگر، در حد آگاه کردن والدین از وضعیت درسی و اخلاقی، رودربایستی در نه گفتن به یکدیگر، بی تفاوتی بعضی والدین و همه کاره بودن معلمان، به دنبال مقصر بودن در کارها، صوری برگزار شدن جلسه انجمن اولیا و مربیان، تاثیر نوع ویژگی های درسی و انضباطی دانش آموزان در نوع ارتباط با هم، تاثیر ویژگی های ذاتی و عرضی والدین در ارتباط با نوع برخورد معلمان و فرهنگ پایین، کمک مادی به ارتقای علمی دانش آموزان وجود دارد.

در این دو دیدگاه مصادیق تام ارتباط والدین و معلمان نام برده شد ولی نکته ای که حائز اهمیت است این است که در کلاس های چندپایه هر دو دیدگاه وجود دارد و معلم باید با انعطاف بیشتری با والدینی که دیدگاه منتقدانه دارند برخورد کند و با آرامش از نتایج مستند و عینی صحبت کند تا والدین به تدریج دیدگاه خود را تغییر دهند.

پرسش دوم: آیا زمان کافی برای تدریس همه پایه ها را در اختیار دارید؟

با توجه به تعدد پایه ها امکان زمان بندی عادی مشابه کلاس های تک پایه و استفاده از تمام وقت کلاس برای تدریس یک پایه وجود ندارد و با ورود پایه ششم به مقطع ابتدایی کمبود وقت تدریس نسبت به گذشته بیشتر احساس می شود زیرا عملاً یک پایه به برخی از کلاس ها اضافه شده است به عبارتی می توان گفت که آموزگار کلاس تک پایه تمام وقت کلاس را صرف برنامه ریزی و تدریس همان یک پایه می کند و اغلب وقت اضافی هم دارد ولی آموزگاران چندپایه باید همان زمان را به تعداد پایه ها نسبت به کلاس تک پایه تنها کسری از زمان را برای تدریس هر پایه در اختیار دارد که از زمان اجرایی شدن سیستم ۳-۶ مشکلات کلاس های چند پایه مضاعف شده است.

معلمان با تجربه از ابزار های متنوعی برای رفع این مشکل استفاده می کنند که عبارت است از: ۱. استفاده از دانش آموزان پایه های بالاتر برای آموزش و تصحیح تکالیف دانش آموزان پایه های پایین تر ۲. تدریس همزمان مطالبی از چندپایه که مفهومی مرتبط با هم دارند. ۳. زمان بندی مناسب دروسی مثل هنر و ورزش به نحوی که دروس سنگین در ابتدای صبح باشند تا سریع تر دانش آموز متوجه مباحث شود. و ...

پرسش سوم: آیا در تدریس همه ی پایه ها تخصص کافی را دارید؟

با توجه به این که دروس ریاضی، علوم و ادبیات پایه ششم تا حدود زیادی تخصصی و سنگین می باشند، توان علمی جمع کثیری از آموزگاران در تفهیم مطالب به دانش آموزان محدود است و سطح علمی دانش آموزان چندپایه روستایی نسبت مدارس شهری در سال های اخیر کاهش یافته است. به عبارتی میتوان گفت که لازم بود قبل از ورود دانش آموزان پایه ششم در دوره های ضمن خدمت آموزش های تخصصی شرکت کرده تا آمادگی بیشتری برای تدریس علوم، ریاضی و فارسی فراهم شود. معلمان معمولاً در جهت رفع این مشکل از کتاب های راهنمای تدریس استفاده می کنند. که این کتاب ها هم از لحاظ دانشی و هم مهارتی قابلیت شایسته ای در جهت کمک به معلم در فرایند تدریس دارا می باشند. البته برخی از معلمان از روش تدریس پروژه محور برای کلاس خود استفاده میکنند که در این حالت خود دانش آموز تاثیر شایانی بر فرایند آموزش گذاشته و یادگیری بر مبنای فعالیت دانش آموز حاصل می شود.

پرسش چهارم: ارتباط عاطفی شما با دانش آموزان و اولیا چگونه است؟

نیمه وقت کردن ساعت کاری مدارس روستایی و حذف بیتوته در بیشتر مدارس روستایی، باعث کاهش و حذف ارتباط اولیا با آموزگاران و کاهش ارتباط عاطفی معلم با دانش آموزان گردیده و کمبود وقت تدریس را دوچندان نموده است. به عبارتی قبلا که از مزایای بیتوته در روستا استفاده می کردند، اوقات خارج از مدرسه، فرصت های خوبی را برای ارتباط بیشتر با دانش آموزان و اولیا آنها، درک متقابل و همکاری به وجود می آورد. البته تنوع سنی و رفتاری دانش آموزان محدودیتی برای معلم در زمینه نوع بازخورد عاطفی به دانش آموزان ایجاد می کند به نحوی که معلم مجبور است از بازخوردهای عاطفی کودکان در کلاسی که پایه ششم هم دارد خودداری کند و این باعث عدم ارتباط موثر با دانش آموزان کوچک تر می شود.

معلمان بهترین راه حل را برای رفع این مشکل در ارتباط اجتماعی موثر در جامعه در کنار دانش آموزان و اولیا می دانند به نحوی که مثلا در ساعت آموزش علوم دانش آموزان را سر زمین کشاورزی یکی از والدین برده و علف های هرز آن را بچینند و ...

پرسش پنجم: در زمینه کنترل کلاس های مختلط چگونه عمل می کنید؟

با اضافه شدن پایه ششم به مدارس چندپایه روستایی که سن ورود به دوره نوجوانی می باشد، کنترل کلاس مختلط را مخصوصا برای آموزگاران خانم جوان مشکل تر کرده است. به عبارتی بین دختر و پسرها، مخصوصا پایه ششم مسائلی شکل می گیرد که معلم در برخورد با آن در مانده اند. اگر به اولیا ارجاع دهند ممکن است درگیری های خانوادگی شکل بگیرد و در مراجعه به راهبر آموزشی هم هیچ کمک تخصصی دریافت نمی کنند. معلمان بهترین راه حل را در آموزش و فرهنگ سازی عمل به مسائل دینی و مذهبی از ابتدای کودکی می دانند و یکی از راهبردها را مبنی بر نشان دادن نتیجه عمل گناه، خلاف و اشتباه و تاثیرات آن در زندگی با هدف آگاه سازی و تقلید از انسان های وارسته همچون شهدا و ائمه مطرح کرده اند.

پرسش ششم: عدم بیتوته چه تاثیری بر زمان شما گذاشته است؟

به علت نیمه وقت شدن مدارس و حذف بیتوته آموزگاران و استفاده از سیستم گرمایشی بخاری در مدارس در فصل سرما و دیر رسیدن معلمان به محل کار، زمان قابل ملاحظه ای از وقت تدریس صرف گرم کردن فضای کلاس می گردد. به عبارتی زمان تدریس در کلاس های چندپایه به خودی خود محدود است آن وقت بخشی از وقت هم صرف مسائل حاشیه ای می شود. مثلا زمستان تا کلاس گرم شود عملا ساعت اول از دست می رود.

معلمان در این زمینه استفاده از والدین را برای حل این مشکل توصیه می کنند. به نحوی که والدین به ترتیب وظیفه را برعهده بگیرند تا مشکل حل شود البته بعضی از معلمان هم عقیده دارند استفاده از افراد لایق و بومی و متخصص برای آموزش باید در اولویت قرار گیرد.

پرسش هفتم: با توجه به شرایط خاص کلاس های چندپایه آیا به طور عادلانه به همه ی دروس توجه می شود؟

عدم توجه کافی به تدریس دروس هنر، تربیت بدنی، انشا، قرآن و هدیه های آسمانی به علت کمبود وقت و پرداختن به دروس علوم، ریاضی و فارسی که مورد توجه راهبران آموزشی و خانواده ها است. به عبارتی راهبران آموزشی بیشتر به درس های علوم، ریاضی و فارسی اهمیت می دهند و به معلمان توصیه می کنند که وقت کلاس را بیشتر صرف این دروس کنند. حتی بعضی از خانواده ها هم همین طور هستند. معلمان هم که کمبود وقت دارند، ناچار هستند همین کار را انجام دهند.

معلمان بهترین پیشنهاد را استفاده از راهبردهای تدریس متنوع مثل راهبرد بدیعه پردازی و ... می دانند چرا که دروسی که مورد بی توجهی هستند ظرفیت خوبی برای اینگونه آموزش ها دارند و زمان کمتر و یادگیری بیشتری را در پی خواهند داشت. شاید بتوان گفت که تدریس تلفیقی دروس هم راه حل مناسبی برای رفع این مشکل می تواند باشد که البته بهتر است معلمان با استفاده از طرح درس و برنامه تلفیقی به آن بپردازند تا از مسیر آموزش منحرف نشوند.

پرسش هشتم: آیا در مسیر استفاده از مزایای کلاس های چندپایه مشکلاتی وجود دارد؟

به علت آمار کم دانش آموزان در پایه های متفاوت، امکان گروه بندی و استفاده از مزایای آن در مدارس چندپایه، کم رنگ می باشد به عبارتی معلمان در بعضی از پایه ها فقط یک دانش آموز دارند که عملا چیزی به نام گروه بندی معنا ندارد و بچه ها باید تابع گروه های بزرگ تر باشند.

معلمان باتجربه در مورد این مسئله پیشنهاد دادند که ساعت های ورزش این دسته از دانش آموزان را با دوستانشان در پایه های نزدیک تر به ایشان قرار داده اند و همچنین برای بحث های کار گروهی معلم خود میتواند به عنوان یک یار یادگیری کنار دانش آموز فعالیت کند. ولی در هر صورت این محدودیت را نمی توان نادیده گرفت.

پرسش نهم: آیا معلمان چندپایه مزایایی نسبت به معلمان تک پایه دارند؟

هیچ گونه مزایای مالی و تشویقی برای آموزگاران چندپایه نسبت به آموزگاران تک پایه وجود ندارد. این امر باعث دلسردی معلمان چندپایه می شود ولی جامعه معلمان ما به دلیل فطرت پاک و تعهد و عشق نسبت به کار خود همیشه کار خود را به نحو احسن انجام می دهند. ولی مسئولان باید اقدامی در جهت رفع این مشکل انجام دهند.

پرسش دهم: محتوایی که معلمان چندپایه باید آموزش دهند به مراتب خیلی بیشتر از محتوایی است که معلمان یک پایه آموزش می دهند، در این زمینه چه برنامه ای اعمال می کنید؟

حجم بالای کتاب های درسی برای چندپایه (از کتاب های مدارس معمولی استفاده می شود و کتابی متناسب کلاس های چندپایه تدوین نشده) و به تبع آن، کمبود وقت و حجم کاری زیاد معلمان مشکل ساز می شود به عبارتی در کلاس سه پایه یک سوم زمان معمول در اختیار است که باید در این زمان، همان محتوا را با همان بارم بندی تدریس کرد.

در این زمینه معلمان با توجه به نوع درس رویکردهایی را پیشنهاد دادند که عبارت است از:



۱. رویکرد معلم محور: چون دانش آموزان منفعل هستند مناسب نمی باشد ولی در درسهایی که با روش سخنرانی تدریس می شود، مورد نظر است (فضلی، ۱۳۸۹)
۲. رویکرد دانش آموز محور: چون دانش آموزان فعال هستند مناسب است و در درس هایی که با روش بحث گروهی و بارش فکری تدریس می شود، مورد نظر است (فضلی، ۱۳۸۹)
۳. رویکرد فعالیت محور: چون دانش آموزان با مسئله مواجه می شوند و راهبردهای تفکر را می آموزند مناسب است و در درسهایی که با روش آزمایشی، کاوشگری و کارگروهی تدریس می شوند، مورد نظر است (فضلی، ۱۳۸۹)
۴. رویکرد خودراهبری: چون دانش آموزان خودآموختن و خودارزیابی را یاد می گیرند، در کلاس چندپایه بسیار مناسب می باشد (فضلی، ۱۳۸۹) و نادری و کاظمی، ۱۳۸۴)
۵. رویکرد یادگیری از همسالان: بیشتر این رویکرد در این کلاس ها فراهم است و در روش های داربست زدن، تدریس خصوصی و کارآموزی شناختی مورد نظر است (فضلی، ۱۳۸۹)

پرسش دهم: آیا اداره آموزش و پرورش به صورت اختصاصی به معلمان چندپایه آموزش می دهد؟

معلمان آموزش ندیده و عدم توجه ادارات آموزش و پرورش به ضرورت برگزاری مستمر دوره های توانمندسازی معلمان کلاس های چند پایه به شیوه ای که آموزگاران کلاس های چندپایه دوره های مخصوص را پشت سر گذاشته اند. معلمان عقیده دارند ارتباط و تعامل همکاران با هم می تواند کمک خوبی برای حل مشکل و تبادل تجربیات در جهت مؤثرتر کردن فرایند یاددهی-یادگیری در کلاس ها باشد. البته که این موضوع از وظیفه آموزش و پرورش در زمینه آموزش های ضمن خدمت و توانمندسازی نیروهای انسانی خود نمی کاهد.

پرسش یازدهم: با توجه به این که کلاس های چندپایه معمولاً در مناطق محروم تشکیل می شود ضعف تجهیزاتی و امکاناتی خود را چگونه رفع می کنید؟ عدم وجود وسایل و امکانات آموزشی، آزمایشگاهی و کلاس مناسب از محدودیت های غیرقابل انکار کلاس های چندپایه می باشد ولی اگر معلمان با خلاقیت خود با مسئله مواجه شوند، به جرئت می توان گفت می شود کارایی کلاس خود را چند برابر کارایی یک کلاس مجهز کنند. به عنوان مثال استفاده از ابزارهای دستی و ارزان که هم معلم و هم دانش آموز در جهت تسهیل امر آموزش می توانند درست کنند و یا استفاده از محیط جغرافیایی منطقه، استفاده از والدین در جهت آموزش، استفاده از آزمایش های موازی با وسایل ساده از این قبیل اند.

پرسش دوازدهم: مسئله فرهنگی و اقتصادی در مناطق محل کار شما چگونه است؟

اولیای کم سواد و بی سواد که نمی توانند در زمینه درسی کمکی به فرزندانشان نمایند و به عبارتی در مدارس دیگر، بخشی از کار معلم را پدر و مادرها انجام می دهند و روی تکالیف آنها نظارت دارند در حالی که مدارس چندپایه در مناطقی است که اغلب اولیا بی سواد هستند. همچنین به دلیل این که اغلب مدارس چندپایه در مناطق روستایی با امکانات اقتصادی ضعیف و یا مناطق عشایری قرار داشته که از طریق کشاورزی و دامداری سنتی امرار معاش می کنند و دانش آموزان باید در زمان های خاصی برای کمک در امور کشاورزی مدرسه را ترک کنند، محدودیت زمانی مضاعف می گردد. به عبارتی دانش آموزان این کلاس ها کمک کار خانواده ها هستند و معلمان در ایامی از سال اجباراً فعالیت های آموزشی را محدود کرده تا بچه ها در امور کشاورزی و اقتصادی به خانواده کمک کنند. به همین دلیل معلمی که عهده دار کلاس های چندپایه است باید با شناختی کامل برنامه ای با زمانبندی مناسب طراحی و اجرا کند. ضعف فرهنگی را هم معلم باید به صورت تدریجی با جلسات انجمن اولیا، روحانیون مساجد و ... رفع کند.

#### ۴. نتیجه گیری و پیشنهادها

در تحلیل اظهارات ثبت شده در فرآیند مصاحبه ها، محدودیت هایی قابل استنتاج بوده که برخی از آنها توسط پژوهش های پیشین نیز تأیید شده است و وابستگی کمتری به شرایط مکانی و زمانی داشته و قابلیت تعمیم بیشتری دارد. برخی محدودیت ها ناشی از تغییر ساختار آموزش عمومی به حالت فعلی (۳-۳) بوده و برخی نیز بستگی زیادی به شرایط اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی روستا و مدیریت آموزش و پرورش منطقه دارد. آن چه از تأکید مصاحبه شوندگان برمی آید این است که کلاس چندپایه بیش از آن که محدودیت باشد می تواند فرصتی برای تحقق اهداف آموزش و پرورش در راستای رشد همه جانبه کودکان و توجه به ابعاد جسمی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی در کنار بعد ذهنی آنها باشد؛ اما برخی محدودیت های ناشی از ضعف مدیریت و یا شرایط اقتصادی و اجتماعی منطقه، تحقق این اهداف را با مشکل مواجه ساخته که با برخی تدابیر و حمایت های مدیریتی قابل رفع می باشند. برخی دیگر از محدودیت ها نیز ناشی از برنامه های کلان و ساختار متمرکز نظام آموزشی است که ورود به آنها خارج از حیطه اختیارات و توان مدیریتی در سطح منطقه و استان است. از جمله مهم ترین این موارد، تغییر ساختار نظام آموزشی به (۳-۶) می باشد، تغییر ساختار آموزش عمومی موجب شده تا بسیاری از کلاس های چندپایه به شش پایه ارتقا یابد که این افزایش پایه، محدودیت های زیر را به صورت مضاعف به نظام مدارس چند پایه تحمیل کرده است. محدودیت زمانی تدریس، بیشتر و محوس تر شده است؛ حضور پایه ششم که شامل دانش آموزان نوجوان در بحران بلوغ است، کنترل کلاس های مختلط را برای معلمان، بسیار دشوارتر ساخته و احتمال بروز برخی آسیب ها را افزایش می دهد. با توجه به ماهیت تخصصی برخی از دروس پایه ششم و عدم آمادگی آموزگاران برای تدریس این مفاهیم تخصصی، سطح علمی دانش آموزان این پایه در مدارس چند پایه کاهش یافته است. محدودیت های بیان شده زیر نیز به میزان زیادی به شرایط بومی روستا و همچنین عملکرد مدیریت مناطق آموزشی بستگی داشته و ممکن است از منطقه ای به منطقه دیگر متفاوت باشد. این محدودیت ها شامل مسائل بهداشتی در فضای محدود کلاس؛ شیوه انتخاب راهبران آموزشی که در مواردی منجر به انتخاب افرادی شده که توانایی لازم برای تسهیل شرایط تدریس معلمان چندپایه را ندارند و حتی گاهی موجب بروز

مشکلاتی برای معلمان چندپایه شده اند، الزام دانش آموزان در برخی از مناطق به مشارکت در فعالیتهای اقتصادی و تأمین معاش خانواده؛ عدم تشکیل مستمر دوره های توانمندسازی آموزگاران چندپایه، عدم اهتمام آموزش و پرورش منطقه به تجهیز کلاس های چند پایه به ابزارهای آموزشی و رایانه؛ و کم سوادی والدین و عدم توانایی برای مشارکت در فرآیند تدریس و یادگیری فرزندشان است. محدودیت های استنتاج شده زیر نیز ناشی از برنامه ریزی کلان و متمرکز نظام آموزشی است که حل و فصل آنها در سطح اختیارات و امکانات معلم با آموزش و پرورش منطقه و استان نیست. این محدودیت ها نیز شامل ضعف اعتباری مدارس چندپایه و عدم توجه خاص به تجهیز این مدارس به ابزارهای آموزش الکترونیکی و مجازی؛ نیمه وقت شدن مدارس و حذف بیتوته آموزگاران؛ عدم اختصاص مزایای مالی به آموزگاران چند پایه است. برخی از مصاحبه شوندهگان از افزایش حق خدمت در روستا به عنوان یک عامل انگیزشی برای افزایش اثربخشی تدریس معلمان چندپایه یاد کرده اند ولی برخی دیگر همین عامل را اگرچه می تواند بر انگیزاننده باشد، به عنوان یک محدودیت بیان کرده اند. استدلال آنها این بوده که این افزایش حق خدمت در روستا موجب افزایش درخواست کارکنان اداری و آموزشی دارای سوابق بالا و نزدیک به بازنشستگی برای خدمت در روستا شده است که در نتیجه امکان حضور معلمان جوان، علاقه مند، باتجربه و آموزش دیده را در این روستاها کاهش می دهد. تقریباً تمام مزایا برای کلاس های چند پایه همان مزیت های عمومی کلاس های چندپایه در تمام نقاط دنیا بوده که برخی پژوهش های داخلی و خارجی آن ها را تأیید کرده اند از جمله پراهل، داگلاس، جانسون و وست اسمیت (۲۰۱۳) در آمریکا، حدادیان، محمودی، رضایور و ادیب (۱۳۹۴) و مرتضوی زاده نیلی، نصرافهانی و حسنی (۲۰۱۷) در ایران نیز وجود این مزیت ها را برای کلاس های چندپایه، تأیید کرده اند. با توجه به این که کلاس های چندپایه در مناطق روستایی و عشایری برقرار می شود و نظر به شرایط اقتصادی اجتماعی این مناطق، چنانچه محتواها و برنامه های آموزشی مبتنی بر سواد آموزی تابعی و متناسب با شرایط این مناطق، تدوین و اجرا گردد، کلاس های چند پایه به مراتب اثربخشی بیشتری نسبت به کلاس های تک پایه، خصوصاً در توسعه مهارتهای اجتماعی و ارتباطی خواهد داشت. اگرچه کلاس های چند پایه نسبت به کلاس های تک پایه دارای محدودیت هایی برای رشد ذهنی دانش آموزان می باشد، ولی این کلاس ها به مراتب، قابلیت بیشتری برای رشد جسمی، اخلاقی، اجتماعی و عاطفی دارند، البته این اثربخشی منوط به پذیرش ضرورت وجود کلاس های چند پایه به عنوان واقعیتی اجتناب ناپذیر توسط مدیران آموزشی و توجه ویژه به این کلاس ها است. با توجه به تجارب زیسته معلمان کلاس های چند پایه شرکت کننده در این پژوهش و تجزیه و تحلیل این تجارب، پیشنهادات ذیل در دو سطح مختلف ارائه شده که این پیشنهادات به تأیید مصاحبه شوندهگان نیز رسیده است:

الف: پیشنهادات در سطح وزارتی

۱. اعمال مزایای ریالی خاص در حکم معلمان کلاس های چندپایه؛
  ۲. تدوین محتواهای آموزشی مخصوص کلاس های چندپایه با توجه به اصول سوادآموزی تابعی بسیاری از کلاس های چند پایه در مناطق روستایی کم جمعیت و مستعد مهاجرت به شهر تشکیل می گردد. تجارب جوامع موفق نشان داده که چنانچه محتواهای آموزشی در راستای ارتقای مهارت های زندگی در شرایط خاص منطقه و آشنایی با حرفه های بومی تدوین و ارائه گردد، هم با کاهش تمایل به مهاجرت، جمعیت روستایی همراه است و هم اهداف آموزش و پرورش تحقق می یابد لاوگرو، ترجمه سمعی (۱۳۹۲) نیز معتقد است یکی از وظایف مدرسه روستایی این است که به کودکان بیاموزد به جای وابستگی به محیط بر آن چیره شوند. کودکان روستایی به این منظور باید تعلیمات بنیانی شایسته ای کسب کنند. منظور این نیست که تربیت کشاورزی بر آنها تحمیل شود، بلکه از کشاورزی باید برای تربیت آن ها استفاده شود؛
  ۳. دو هفته کردن مدارس چند پایه با پرداخت حق الزحمه به معلم از یک طرف، موجب افزایش تعامل و ارتباط عاطفی معلم با دانش آموزان و خانواده های آنها می شود و از طرف دیگر زمان بیشتری برای تدریس فراهم می آورد، این مورد، امکان بیتوته معلم را نیز فراهم می کند؛
  ۴. تدوین ملاک های ارزیابی عملکرد معلمان چندپایه به صورت اختصاصی؛
  ۵. تخصیص اعتبارات خاص برای مدارس چندپایه در موافقت نامه های اعتباری.
- ب. پیشنهادات در سطح مناطق آموزشی
۱. تدارک و اجرای مستمر دوره های آموزش ضمن خدمت برای معلمان چندپایه؛
  ۲. تدارک جلسات مستمر هم اندیشی معلمان چندپایه در قالب گروه آموزشی چندپایه؛
  ۳. توجه اعتباری به کلاس های چندپایه و تجهیز این کلاس ها به نرم افزارها و سخت افزارهای آموزشی. یکی از مهم ترین راهکارهای غلبه بر محدودیت زمان و تسهیل یادگیری در کلاس های چندپایه که مورد تأکید مصاحبه شوندهگان قرار گرفته، استفاده از ابزارهای فناوری و نرم افزارهای آموزشی است. به علاوه، بسیاری از تحقیقات (از جمله تحقیقات آرتورک و همکاران (۲۰۱۵) در ترکیه و پیری و شاهی (۱۳۹۵) در ایران) نشان می دهند که استفاده از فناوری های جدید و ابزارهای چندرسانه ای می تواند با کاهش محدودیت های تدریس در کلاس های چندپایه، افزایش اثربخشی تدریس در این کلاس ها را تضمین نماید؛
  ۴. انتخاب راهبران آموزشی که علاوه بر تحصیلات مرتبط دانشگاهی، دارای سوابق و تجارب موفق در تدریس کلاس های چندپایه و تک پایه باشند؛
  ۵. انتخاب معلمان بومی برای کلاس های چند پایه؛
  ۶. امکان تداوم خدمت معلمان علاقه مند و موفق کلاس های چند پایه در مدارس قبلی، بدون شرکت در سازماندهی سالانه؛
  ۷. تفویض اختیارات بیشتر به معلمان چند پایه در انتخاب ساعات تشکیل کلاس و طراحی و اجرای فعالیتهای یادگیری خلاق و خارج از محیط کلاس؛
  ۸. حتی المقدور ترکیب کلاس های چند پایه مناطق همجوار به دو گروه متناسب سنی یا جنسی .
- ج: پیشنهاداتی برای معلمان کلاس های چندپایه
۱. شناسایی و استفاده از امکانات و استعدادهای بالقوه والدین از طریق تعامل مستمر و موثر با آنها؛

۲. استفاده حداکثری از ابزارهای فناوری در دسترس (گوشی همراه، تبلت و ...) و ممکن الوصول؛
۳. استفاده از روش های مشارکتی و دستیار معلم متناسب با شرایط و محتوا؛
۴. ارتباط مستمر با سایر معلمان چند پایه به صورت جلسات هم اندیشی و ایجاد گروه های تخصصی در فضای مجازی؛
۵. استفاده حداکثری از موقعیت های واقعی زندگی دانش آموزان و علایق آن ها در آموزش؛
۶. ایجاد امکان اسکان در محل خدمت برای معلمان؛
۷. استفاده از دانش آموزان به صورت گروهی در فعالیت های اقتصادی و کمک به خانواده ها و استفاده از این فضا برای تدریس.

#### منابع

- استورا (۱۳۷۷). تنیدگی یا استرس بیماری جدید تمدن. ترجمه پریخ دادستان، تهران: رشد.
- خنفر، حسین، و مسلمی، ناهید (۱۳۹۶). روشهای پژوهش کیفی. تهران: سرای دانش.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۳). ناسیونالیسم و تکوین هویت ایرانی. تهران: نشر باز.
- صادقی، علیرضا (۱۳۹۳). طراحی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی تربیت معلم ابتدایی جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری برنامه ریزی درسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۰). مردم نگاری آموزش. تهران: نشر علم.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۳). امکان سنجی مشارکت معلمان در فرا یند برنامه ریزی درسی نظام آموزش و پرورش ایران. نوآوری های آموزشی قمریان، محسن (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین عوامل فرهنگ سازمانی و میزان مشارکت دبیران در امور مدارس. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی (ره). کاشی، بهمن (۱۳۹۱). نیازسنجی آموزشی معلمان شاغل در کلاس های چندپایه منطقه الموت استان قزوین. پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه تهران.
- کوش، دنی (۱۳۸۹). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی. ترجمه فریدون وحید، تهران: سروش.
- گویا، زهرا، و ایزدی، صمد (۱۳۸۱). جایگاه معلمان در سطوح تصمیم گیری برنامه ریزی درسی. طرح پژوهشی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- معلم علی آبادی، خلیل (۱۳۸۸). جایگاه قومیت های ایران در کتب درسی دوره ابتدایی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- میرعرب رضی، رضا (۱۳۹۲). تبیین نقش فرهنگ معلمی در نوع مواجهه با تغییر و نوآوری در برنامه درسی. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس
- کریمی، محمداصداق (۱۳۹۷). مزیت ها و محدودیت های کلاس های چندپایه بر اساس تجارب زیسته معلمان کلاس های چندپایه، فصلنامه توسعه حرفه ای معلم، سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷.
- رومانی، سعید (۱۳۹۸). بررسی فرهنگ روابط معلمان با همکاران، والدین و دانش آموزان مدارس روستایی و چندپایه. مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، دوره ۸، پا و زمستان ۱۳۹۸.